

معیارهای تولید مطلوب در اقتصاد اسلامی

ک. نادر حقیقی / کارشناس ارشد اقتصاد مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره asdfnader@yahoo.com

محمد جمال خلیلیان اشکذری / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره mj_khalil41@yahoo.com

پذیرش: ۹۴/۴/۲۲

دریافت: ۹۳/۱۲/۲۰

چکیده

تولید مطلوب در هر نظام اقتصادی تولیدی است که در راستای اهداف و انگیزه‌های مشخص و با توجه به معیارهای خاصی در دو سطح خرد و کلان انجام می‌گیرد. این معیارها به سیاست‌گذاران اقتصادی کمک می‌کند تا با توجه به اطلاعاتی که بر اساس آنها به دست می‌آورند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند. این پژوهش به تبیین رویکرد اسلامی نسبت به معیارهای تولید مطلوب در اقتصاد اسلامی می‌پردازد. هدف این پژوهش یافتن معیارهایی برای تولید در اقتصاد اسلامی از متون اسلامی است. پژوهش حاضر همراه با بهره‌گیری از روش تحلیلی - توصیفی، به طور عمده از روش کشفی و بر اساس آیات، روایات، سیره اهل بیت علیهم‌السلام و نظرات اندیشمندان اقتصاد اسلامی انجام گرفته است. معیارهایی که برای تولید مطلوب در اقتصاد اسلامی استخراج گردیده است عبارتند از: طیب بودن، اولویت دادن نیازهای واقعی، رعایت مصالح اجتماعی، کارایی در تولید.

کلیدواژه‌ها: معیار، تولید مطلوب، اقتصاد اسلامی، کالای اساسی، نیاز واقعی.

مقدمه

محصول تولیدی، فرایند تولید و منابع تولید مورد بررسی قرار گرفته است. نگارنده پس از تبیین طیب بودن تولید در این سه عنصر، آن را به عنوان شاخصی برای تولید خالص داخلی معرفی می‌کند (توکلی، ۱۳۹۱).

۲. کتاب *اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی*. نویسنده در این کتاب، سه هدف امنیت اقتصادی، عدالت اقتصادی و رشد تولیدات مورد نیاز جامعه را برای نظام اقتصادی اسلام با استفاده از روایات ذکر می‌کند. همچنین در بخش ششم کتاب، ابتدا خلاصه‌ای از نظریات اقتصاددانان مسلمان در زمینه «نظریه رفتار تولیدکننده مسلمان» را مطرح می‌نماید و سپس چنین نتیجه می‌گیرد که به نظر اکثر محققان اسلامی، رفتار تولیدکننده مسلمان در اقتصاد اسلامی با رفتار تولیدکننده در اقتصاد سرمایه‌داری متفاوت است و تفاوت آن در این است که مسلمان علاوه بر سود مادی، مصالح اجتماعی و ثواب آخرتی را نیز مدنظر دارد (میرمعزی، بی‌تا).

۳. کتاب *نظام اقتصاد علوی؛ مبانی، اهداف و اصول راهبردی*. نویسنده در بخش دوم این کتاب، به مبانی و اهداف و اصول راهبردی اقتصاد اسلامی با توجه به سخنان گهربار امیرمؤمنان علی (ع)، و در بخش سوم کتاب، به تحلیل انگیزه تولید در اقتصاد علوی پرداخته است. در این کتاب، هدف عالی نظام اقتصاد علوی رفاه عمومی، و اهداف مقدماتی آن، عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی و امنیت اقتصادی بیان شده است (یوسفی، ۱۳۸۷).

بحث معیارهای تولید مطلوب، بحثی است نو که سابقه‌ای برای آن مشاهده نگردید. این بحث برای تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و مباحث اقتصاد مقاومتی می‌تواند مفید باشد. تبیین معیارهای تولید مطلوب، جنبه نوآوری این پژوهش است.

تولید کالا و خدمات یکی از مباحث مهم و اساسی اقتصاد هر کشوری است که ضرورت دارد زوایای مهم آن روشن شود. هر نظام اقتصادی متناسب با جهان‌بینی و معیارهای حاکم بر آن، به این زوایا پاسخ داده و تعریفی برای تولید مطلوب خود ارائه کرده است. به‌طورکلی، تولید مطلوب در هر نظام اقتصادی تولیدی است که در راستای اهداف و انگیزه‌های مشخص و با توجه به معیارهای خاصی در دو سطح خرد و کلان انجام می‌گیرد. تولید مطلوب در اقتصاد سرمایه‌داری تولیدی است که در سطح خرد و بنگاه تولیدی، منجر به کسب حداکثر سود برای تولیدکننده و در سطح کلان منجر به رشد تولید ملی (GNP) در جامعه باشد. معیار کسب حداکثر سود بر اساس مبانی نظری حاکم بر نظام سرمایه‌داری از قبیل دئیسم و اومانیزم به دست آمده است. اقتصاد اسلامی مبانی بینشی و ارزشی حاکم بر نظام سرمایه‌داری را نمی‌پذیرد؛ اکنون باید به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که نظام اقتصاد اسلامی با ردّ مبانی اقتصاد سرمایه‌داری، چه معیارهایی را برای تولید مطلوب ارائه می‌کند؟

سؤالات فرعی که باید پاسخ داده شوند عبارتند از:

۱. مبانی نظری تولید مطلوب در اقتصاد اسلامی چیست؟
۲. اهداف تولید در اقتصاد اسلامی کدامند؟
۳. محدودیت‌های تولید مطلوب در اقتصاد اسلامی کدامند؟

با مراجعه به پژوهش‌هایی که درباره تولید در اقتصاد اسلامی انجام گرفته است به نحو خاص پیشنهادی برای این موضوع مشاهده نگردید. اما بیشتر آنچه در این زمینه نوشته شده به شرح زیر است:

۱. مقاله «شاخص تولید خالص داخلی طیب». این مقاله، ابتدا به تبیین معیار طیب بودن تولید می‌پردازد. در طیب بودن تولید سه عنصر اساسی تعریف تولید، یعنی

مبانی نظری حاکم بر تولید در اقتصاد اسلامی

مبانی نظری هر علم، تمام ادراکاتی (تصور و تصدیق) است که به طور پیدا یا پنهان پیش فرض هر علم قرار می‌گیرد؛ در تکون و تکامل آن علم مداخلت بی‌واسطه یا باواسطه دارد و با روش تحقیق خاص آن علم قابل نفی و اثبات نیست؛ و البته این معنا اعم از مفروضات یا مبادی تصویری و تصدیقی در علوم اصل موضوعی از قبیل هندسه و منطق است.

با اتکا به این تعریف، می‌توان گفت: هیچ علمی فارغ از جهان‌بینی و مفروضات معرفت‌شناختی متافیزیکی و... نیست. در این باره مؤلف کتاب *فلسفه و اقتصاد* می‌نویسد: مطالعاتم در فلسفه مرا متقاعد کرد که نظریه‌های اقتصاددانان کلاسیک و نظریه‌های مارکس و کسینز از آموزه‌های متفاوت فلسفی سرچشمه می‌گیرند که از قرن هفدهم تاکنون به تناوب در دنیای غرب وجود داشته است. اقتصاددانان ارتدوکس و غیرارتدوکس از طراحان نظریه‌های پیچیده فلسفی آموختند که چگونه به جهان بنگرند. این قالب فکری موجبات شکل دادن به صورت و محتوای تحلیل اقتصادی و نیز رابطه صورت با محتوا را فراهم آورد (پیرو و مینی، ۱۳۷۵، ص ۱).

مبانی نظری در دو حوزه بینشی و ارزشی قرار دارند. در ادامه، بخشی از این مبانی بینشی و ارزشی حاکم بر رفتارهای تولیدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ربوبیت تشریعی

یکی از مباحث مهم و کاربردی در دو نظام اقتصاد سرمایه‌داری و اسلامی، بحث ربوبیت تشریعی خداوند متعال است. نظام اقتصاد سرمایه‌داری با پذیرش فلسفه دئیسم، به‌طور کلی منکر وحی و ربوبیت تشریعی خداوند متعال بوده و خدا را تنها منشأ پیدایش جهان هستی

می‌دانند. نتیجه این دیدگاه سه اصل اساسی نظام سرمایه‌داری، یعنی آزادی اقتصادی، عدم مداخله دولت و بی‌نیازی از قانون است (نمازی، ۱۳۸۷، ص ۵۵). اما در مقابل، قرآن کریم می‌فرماید: «آگاه باشید که آفرینش و فرمان از آن اوست» (اعراف: ۵۴). «اوست که تدبیر می‌کند امر جهان را» (سجده: ۵).

با اندکی تأمل در این آیات، ربوبیت تشریعی خداوند متعال اثبات می‌شود. ربوبیت تشریعی به این معناست که جز خداوند هیچ کسی دیگر حق فرمان دادن و قانون وضع کردن برای انسان‌ها ندارد؛ هر کس بخواهد به دیگری دستور بدهد، باید با اجازه خدا باشد، هر قانون باید به پشتوانه امضا و اجازه خداوند رسمیت پیدا کند (مصباح، ۱۳۸۰، ص ۴۹).

با پذیرش ربوبیت تشریعی خداوند متعال، اصول کلی اقتصاد سرمایه‌داری مورد مناقشه قرار می‌گیرد و اقتصاد اسلامی باید بر اساس معتقدات خودش و با استفاده از متون دینی در تمام زمینه‌های اقتصاد اعم از تولید و غیرتولید برنامه‌ریزی کند.

معاد و نقش آن در تولید

نظام‌های اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیسم حتی با فرض پذیرش آخرت، هرگونه ارتباط میان دنیا و آخرت و کردار دنیایی با سعادت و شقاوت آخرتی را نفی کرده‌اند (خسروپناه، ۱۳۸۲، ص ۴۸۰). اما در اسلام، ارتباطی ناگسستنی بین دنیا و آخرت وجود دارد و انسان در دنیا کشت و در آخرت درو می‌کند. همچنین دین تضمین‌کننده سعادت آخرتی انسان‌هاست. پس به‌ناچار دین علاوه بر امور اخروی، باید به امور دنیایی نیز بپردازد؛ زیرا سعادت آخرتی با اعمال دنیایی پیوند تکوینی دارد (خسروپناه، ۱۳۸۱). از نظر اسلام، تمامی اعمال دنیوی با

توجه به معاد و اینکه در سعادت و شقاوت انسان تأثیرگذار است انجام می‌گیرد؛ بنابراین، تولیدکننده‌ای که تولید خود را با در نظر گرفتن معاد و اینکه انسان هر کاری اعم از خوب و بد در این دنیا انجام می‌دهد تأثیرات آن را در عالم آخرت می‌بیند، کاملاً متفاوت از تولیدکننده‌ای است که به چنین چیزی اعتقاد و باور ندارد.

انسانی‌شناسی

نوع نگاه به انسان و ابعاد وجودی و نیازها و اهداف او در زندگی، نقش بسیار عظیمی در تنظیم روابط اقتصادی جوامع بشری دارد. تبیین مقوله انسان‌شناسی در نظام‌های مختلف اقتصادی بر اساس جهان‌بینی فلسفی حاکم بر آنها انجام می‌گیرد.

یکی از آموزه‌های لیبرالیسم، آموزه تقدیر کالوینیستی (Calvinistic Predestinations doctrin) است که بر اساس آن، نیک‌بختی یا بدبختی انسان پیش از تولد او به وسیله خواست و حکمت خداوند که برای ما تشخیص‌ناپذیر است تعیین شده است. بنابراین، همان‌گونه که براساس فلسفه دئیسم، جهان‌آفرینش، طبق قانونمندی که به وسیله خداوند در بدو تولد خلقت در آن تعبیه شده است به حیات خود ادامه می‌دهد، سرنوشت انسان هم بر اساس تقدیر قبل از تولدش مشخص شده و شرایط زندگی او بر آن مبنا شکل می‌گیرد. به این ترتیب، شرایط اقتصادی فردی و اجتماعی ناشی از توزیع درآمد به وسیله سازوکار بازار و فقر اکثریت جامعه یعنی دستمزدبگیران پذیرفتنی خواهد بود (نمازی، ۱۳۸۷، ص ۵۴). حتی فقر به عنوان موهبتی از جانب پروردگار معرفی می‌شود. ماکس وبر در این زمینه چنین می‌گوید: «کالوین شخصاً معتقد بود که توده کارگر و پیشه‌ور هرگاه در فقر و تهیدستی به سر برند، بیشتر از خداوند اطاعت می‌کنند»

(وبر، ۱۳۷۴، ص ۱۵۲). یکی دیگر از آموزه‌های مکتب لیبرالیسم، انسان‌محوری است به گونه‌ای که انسان در کادر نامحدود آزادی خود، مبدأ و محور است و عقل انسان برای درک حقیقت کافی است (نمازی، ۱۳۸۷، ص ۵۵). در این مکتب، عقل انسان خدمتگزار او در برآوردن اهداف و امیال نفسانی اوست و هر کس بتواند از عقل خود بیشتر استفاده ابزاری کند، عاقل‌تر است. همچنین انسان مالک مطلق خود، کار و اموال خویش است و هیچ‌گونه تعلقی به جامعه، دولت و خداوند ندارد و مالش را هرگونه که خواسته باشد می‌تواند مصرف کند (یوسفی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵-۱۱۶).

اما انسان‌شناسی که اسلام ارائه می‌دهد کاملاً متفاوت از مکتب لیبرالیسم است. اسلام خلقت انسان را هدفمند (مؤمنون: ۱۱۵)، دارای دو بعد روحی و مادی (حجر: ۲۸-۲۹)، دارای سرشتی پاک و خداجو (روم: ۳۰)، و ضعیف و نیازمند (نساء: ۲۸) می‌داند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّى يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودًا أَوْ نَصْرَانًا أَوْ يَمَجَّسَانَهُ» (احسائی، ۱۴۰۵، ص ۳۵)؛ هر نوزادی بر فطرت اسلام و دین متولد می‌شود و رنگ‌هایی همچون یهودیت و نصرانیت و مجوسیت انحرافی، از طریق پدر و مادر به آنها القا می‌شود.

با توجه به نوع نگاه اسلام به انسان، برخی از نظرات و باورهای اقتصاد سرمایه‌داری از منظر اسلام بکلی مردود شده و باید نظریه‌های جدیدی در اقتصاد اسلامی نسبت به مباحث کلی اقتصاد و بخصوص راجع به تولید مطلوب ارائه گردد که با انسان‌شناسی اسلام تناسب داشته باشد.

مبانی فقهی

به‌طورکلی، انسان در سه جهت رابطه با خدا، با خود و با دیگران، به دین نیازمند است تا راه و روش این روابط را

به او یاد بدهد. آن بخش از دین که رابطه با دیگران را برای او تبیین می‌کند فقه است. بخش معاملات فقه، احکام و مسائل اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف را بیان می‌کند که به شکلی رابطه شخص با دیگران است. با توجه به بخش معاملات، قواعد مهمی استخراج می‌شود که در حوزه تولید اقتصادی کاربردهای فراوانی دارند. در ذیل، به برخی از این قواعد اشاره می‌شود:

قاعده اهم و مهم

مفاد این قاعده عبارت است از اینکه چنانچه در جایی بین دو حکمی که مکلف قادر به انجام هریک از آنها به صورت مستقل می‌باشد تراحم به وجود آید، حکم مهم‌تر مقدم می‌شود. بنابراین، هرگاه بین دو واجب تراحم باشد، در مقام رفع تراحم، در صورتی که یکی اهمیت بیشتری داشته باشد، مقدم می‌گردد و در صورت تساوی، مکلف در امتثال هریک از آن دو مخیر است (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۶۱۳). یکی از کاربردهای این قاعده در بحث تولید در حوزه تخصیص منابع تولیدی است. بنابراین، تخصیص منابع تولید باید بر اساس درجه اهمیت محصولات تولیدی صورت گیرد. از آنجاکه کالاها و خدمات اساسی و راهبردی از اهمیت بالاتری نسبت به سایر کالاها برخوردار هستند، تخصیص منابع برای تولید آنها در اولویت بوده و بعد از رسیدن به حد خودکفایی در تولید آنها، برنامه‌ریزی به سمت تولید سایر کالاها صورت می‌گیرد.

قاعده تقدم منافع و مصالح جمعی بر منافع و

مصالح فردی

این قاعده از قواعد مهمی است که در اقتصاد کاربردهای فراوانی دارد و در نظام‌های گوناگون اقتصادی رویکردهای متفاوتی نسبت به آن در مقام تراحم بین

مصلحت فرد با مصلحت جمع وجود دارد. نظام اقتصاد سرمایه‌داری با پیروی از مکتب اصالت فرد - به معنای حقوقی آن - معتقد است که هدف باید تأمین منافع و مصالح فرد باشد؛ وقتی مصالح فرد تأمین شد، خودبه‌خود منافع جامعه هم تأمین می‌شود. مکتب اصالت جامعه - به معنای حقوقی آن - معتقد است که با رعایت مصالح فرد، مصالح جامعه تأمین نمی‌شود، بلکه در بسیاری موارد، باید منافع فرد را فدای مصالح جامعه کرد؛ حتی برخی از مکتب‌های اصالت جامعه، پا را فراتر نهاده، منفعی برای افراد، جدای از منافع عمومی و اجتماعی نمی‌شناسند و منافع فردی را یکسره نادیده می‌گیرند. اما اسلام، حق تقدم را به هیچ‌یک از فرد و جامعه نمی‌دهد، بلکه تقدم هر کدام را به انطباق و عدم انطباق با دستورات و احکام الهی می‌داند؛ بنابراین، هر کدام که با شرع منطبق شد مقدم می‌شود و دیگری کنار گذاشته می‌شود؛ در این صورت، سخن از تقدم هریک بر دیگری بی‌معناست. اما در صورتی که منافع واقعی فرد و جامعه و مورد قبول شرع، مطرح شد، پاسخ آن است که اسلام در قوانین و احکام خود برای تنظیم روابط اجتماعی و سیاسی، هم منافع افراد را در نظر داشته و هم منافع جامعه را؛ زیرا نه مانند مکتب اصالت فرد، فرد را در پی جویی منافع شخصی خود، به امید هماهنگی خودکار منافع فرد و جامعه، آزاد و رها می‌گذارد و نه مانند مکتب اصالت جامعه، منافع فرد را جدای از منافع جامعه بکلی نادیده می‌انگارد؛ بلکه منافع فردی را به رسمیت شناخته، فرد را در چارچوب خاصی از ارزش‌ها و دستورها، در پی کسب منافع خود آزاد گذارده و منافع جامعه را نیز در منافع فردی وارد می‌کند، به گونه‌ای که فرد در پی منافع خود آگاهانه، منافع عمومی و اجتماعی را دنبال می‌کند؛ یعنی اسلام در اصل، درصدد ساختن فرد انسان و جهت

دادن به او برآمده، نه اینکه فرد را در گرو غرایز و خودخواهی‌هایش رها کند و نه اینکه وجود مستقل فرد را نادیده گیرد. اسلام در مورد تزاخم منافع فردی و اجتماعی، حقوق و مصالح جامعه را مقدم بر حقوق و مصالح فرد دانسته است؛ زیرا هدف تشریع در اسلام، فراهم کردن زمینه‌ای است که در آن افراد بیشتری به حداکثر کمال برسند. با بررسی احکام و قوانین اسلامی، به خوبی این اصل مهم به دست می‌آید (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۱۶۴).

قاعده نفی ضرر

در کتب لغت برای واژه «ضرر» دو معنای «نقص در مال و جان و حیثیت» و «ضیق و تنگنا و سوء حال ناشی از نقص در مال و یا جان و یا حیثیت و یا سلب حقی از حقوق انسانی» آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۷). اما «ضرار» یعنی ضرر زدن به غیر از روی «عمد و اصرار»، به گونه‌ای که انسان با سوءاستفاده از حقوق خود، آن را وسیله ضرر زدن به کار گیرد؛ مثلاً، سلطه انسان بر مالش، گاهی عاملی برای ضرر زدن به دیگری می‌شود یا اینکه یکی از دو شریک، حقش را ابزار ضرر زدن به شریک قرار می‌دهد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۳۴۰).

درباره مفاد قاعده، پنج قول متفاوت وجود دارد که خود ثمرات مختلفی در مباحث فقهی و اقتصادی دارند. در ادبیات عرب، دو نوع لای نفی جنس و لای ناهیه وجود دارد. با توجه به این دو نوع «لا»، نظرات مختلفی نسبت به «لا»ی موجود در روایت «لا ضرر و لا ضرار» پیدا می‌شود. برخی آن را لای نفی جنس می‌دانند که مبتکر آن، شیخ اعظم انصاری است. عده‌ای، آن را لای ناهیه می‌دانند که این قول منسوب به شریعت اصفهانی است (رضایی‌راد، ۱۳۸۹). معتقدان به لای نفی جنس نیز چند

نظر دارند؛ نفی حکم، نفی حکم به لسان نفی موضوع، نفی ضرر غیرمتدارک، نفی مشروعیت اعمالی که باعث ضرر مردم به یکدیگر می‌شود و نفی مشروعیت مطلق ضرر (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ص ۱۴۲-۱۵۱). هرکدام از نظرات فوق ثمرات ویژه خود در مباحث اقتصادی بخصوص در حوزه تولید دارند. مثلاً، اگر مفاد قاعده، نفی حکم به لسان نفی موضوع و یا نفی مشروعیت اعمالی باشد که باعث ضرر مردم به یکدیگر می‌شود، بسیاری از تولیدات و همچنین فعالیت شرکت‌های تولیدی که باعث آسیب به جامعه و یا تخریب محیط‌زیست می‌شوند اشکال پیدا می‌کند.

از میان نظرات مختلف، با توجه به اطلاقی که در روایت وجود دارد، نفی مشروعیت مطلق ضرر مناسب‌تر به نظر می‌رسد؛ یعنی در اسلام ضرر مشروعیت ندارد و این عدم مشروعیت ضرر شامل مراحل قانون‌گذاری و اجرای قانون می‌شود. همچنین انواع ضرر نوعی و شخصی در اسلام نفی شده و مشروعیت ندارد. بنابراین، با پذیرش این نظریه، قاعده «لا ضرر» قلمرو وسیعی در مسائل تولیدی پیدا می‌کند.

قاعده نفی سبیل

این قاعده نقش عظیمی در اعتلای کلمه اسلام و مسلمین و برتری نظام و حکومت اسلامی بر سایر حکومت‌ها بخصوص استکبار جهانی آمریکا و صهیونیست غاصب در جهان دارد.

مفاد قاعده این است که در شریعت اسلام، هر حکم و عملی که سبب سلطه کفار بر مسلمین شود نفی شده است (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵ق، ص ۲۳۹). همچنان‌که در این دوران مشاهده می‌شود، حکومت‌های غربی به سرمداری آمریکا و صهیونیست، صنعت انرژی هسته‌ای

شرعی آن محفوظ است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما [انجام گرفته] باشد» (نساء: ۲۹). امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «صاحب مال تا زمانی که زنده است سزاوارتر به مالش است و هر کجا بخواهد آن را قرار می‌دهد» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۸۷).

محدودیت‌های فقهی تولید

با توجه به مبانی بینشی و ارزشی اسلام، تولید در اقتصاد اسلامی با محدودیت‌هایی مواجه است. در ذیل، به برخی از این محدودیت‌ها اشاره می‌شود:

الف. تولیدات حرام

در فقه اسلامی، تجارت و کسب درآمد از پنج طریق حرام شمرده شده است؛ بدیهی است که هر گاه کسب درآمد و تجارت از طریقی مورد منع شرعی قرار گرفت، تولید آن کالاهای نیز شرعاً ممنوع است. این پنج راه کسب درآمد ممنوع عبارتند از:

۱. کسب درآمد از اشیای نجس؛ مانند خرید و فروش بول حرام‌گوشت، خرید و فروش سگ‌های وحشی و خوک و کسب درآمد از طریق فروش شراب و سایر مسکرات؛
۲. کسب درآمد از چیزهایی که در اهداف حرام و نامشروع به کار می‌روند؛ مانند خرید و فروش صلیب و بت، خرید و فروش اسلحه به دشمنان اسلام؛
۳. کسب درآمد از چیزهایی که منفعت حلال و عقلایی نداشته باشد؛ مانند خرید و فروش حشرات و انواع مارها و عقرب‌ها و کلاغ و...؛
۴. کسب درآمد با کارهایی که فی‌نفسه خود آن عمل حرام است، مانند تدلیس ماشطه، خرید و فروش کتب گمراه‌کننده، اخذ رشوه، سحر کردن، کمک به ظالمان و...؛

و تولید برخی از کالاها و تجهیزات نظامی را در انحصار خود و هم‌پیمانانشان قرار داده‌اند و از این طریق، هر نوع جنایت ممکن را نسبت به کشورهای جهان سوم اعمال می‌کنند و همچنین با تولید انواع سلاح‌های کشتار جمعی، مردم مستضعف جهان بخصوص مسلمانان را تهدید می‌کنند و کشورهای دیگر بخصوص جمهوری اسلامی ایران را از حق مسلمشان در تولید انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و تولید سلاح‌های دفاعی منع می‌کنند. اما با ملاحظه این قاعده، اولاً، هرگونه حکمی که موجب سلطه کفار بر مسلمانان و کشورهای اسلامی است نفی می‌شود و ثانیاً، با توجه به آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) دستیابی و تولید کالاهایی که دست کفار را از کشورهای اسلامی قطع می‌کند از واجبات می‌باشد (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵ق، ص ۲۳۸).

قاعده سلطنت

قاعده «سلطنت» از مشهورترین قواعد فقهی در زمینه اقتصاد است که بسیاری از مسائل اقتصادی بر اساس آن بررسی می‌شود. این قاعده تثبیت‌کننده ارکان مالکیت است و به علت جایگاه خاص اموال و مالکیت در زندگی روزمره انسان‌ها، اهمیت خاصی نسبت به سایر موضوعات دارد. اهمیت اموال و مالکیت در مکاتب الهی و غیرالهی یک اصل اساسی و مسلم برای تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه است. بنا بر قاعده سلطنت، هر کسی در اموال خود حق انواع تصرفات مشروع را دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند او را از چنین حقی منع کند. البته ثبوت چنین حقی بعد از ثبوت مالکیت شرعی برای مالک است؛ زیرا حق سلطه در واقع حق تصرف مالکانه است. بنابراین، آزادی اقتصادی و حق انواع تصرفات مشروع، به استناد قاعده سلطنت فقط برای مالک

۵. اخذ اجرت بر واجبات؛ مانند اخذ اجرت در مقابل نماز خواندن (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۵ق).

ب. تولید کالاهای غیراستاندارد

تقتیر از امور ممنوعه در اسلام است. تقتیر در لغت به معنای تضییق و دست‌بستگی آمده است: «الإقتار: التضییق علی الإنسان فی الرزق یقال: اقتر الله رزقه أى ضیقه و قلله» (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۱۲)؛ «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ یَسْرِفُوا وَلَمْ یُقْتَرُوا وَكَانَ بَیْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷)؛ کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو [روش] حد و سطرابری می‌گزینند. اگرچه ظاهر آیه در مورد انفاق است، ولی با نظر به سایر آیات و روایات می‌توان گفت که در اسلام اسراف و تقتیر در هر امری حرام و ناپسند است. تقتیر در تولید به این معناست که در تولید یک محصول، مواد اولیه را به اندازه نیاز آن محصول استفاده نکنیم و این مسئله منجر به تولید کالای بی‌کیفیت و غیراستاندارد شود.

اهداف تولید مطلوب در اقتصاد اسلامی

بی‌شک، یکی از عوامل شکل‌گیری یک جامعه و تمایز آن با دیگر جوامع، اهدافی است که آن جامعه به دنبال آن است. وجود هدف برای هر جامعه، اقتضای کوشش نظام‌مند را دارد؛ یعنی هر جامعه باید براساس جهان‌بینی مورد قبول خود، کوشش‌ها را در جهت رسیدن به اهدافش سامان‌دهی کند؛ بنابراین، هیچ نظامی بدون هدف یا اهداف مشخص سامان نمی‌یابد. نظام‌های اجتماعی، همه چنین هستند، و خرده‌نظام‌های اجتماعی (نظام فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، سیاسی) نیز اهدافی را همسو با اهداف اجتماعی دنبال می‌کنند. اهداف انسان و هر نظام اقتصادی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی برخاسته از

مبانی فلسفی، اعتقادی و اخلاقی آنهاست. نوع نگاه و برداشتی که هر نظام به مقوله‌های اساسی هستی همچون خدا و صفات او، انسان و جامعه و جهان دارد، تعیین‌کننده اهداف آن نظام اقتصادی است؛ بنابراین، اگر نوع تلقی انسان‌ها و نظام‌ها از این مقوله‌های اساسی تفاوت معناداری داشته باشد، می‌توان نتیجه گرفت که نظام‌های اقتصادی گوناگون در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، اهداف و انگیزه‌های متفاوت داشته باشند (یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۰-۲۵۳). همچنان‌که گذشت، مبانی و اصول بینشی و ارزشی اقتصاد اسلامی متمایز از نظام سرمایه‌داری است؛ از این رو، لازم است اهدافی متناسب با خود نظام اقتصاد اسلامی برای آن تعریف شود.

اهداف تولید مطلوب در اقتصاد اسلامی در سه سطح نهایی، متوسط و مقدماتی تعریف می‌شوند. با توجه به هدفمند بودن خلقت تمام مخلوقات و از جمله انسان (جاثیه: ۳)، اسلام هدف نهایی انسان‌ها را رسیدن به قرب الهی می‌داند؛ بنابراین، باید تمام اعمال و کردار انسان در راستای رساندن آن به کمال نهایی یعنی قرب خدا باشد و فعالیت‌های اقتصادی به‌طور کلی و فعالیت‌های تولیدی به نحو خاص نیز در این راستا قرار می‌گیرد.

اما هدف و انگیزه تولید در سطح خرد، حداکثر نفع شخصی است؛ با این تفسیر که نفع شخصی در اقتصاد اسلامی منحصر در نفع مادی نیست و شامل نفع معنوی نیز می‌شود؛ بنابراین، تولیدکننده مسلمان در سطح خرد به دنبال کسب حداکثر نفع شخصی در هر دو سطح مادی و معنوی است. اما از بعد کلان، هدف تولید رفاه عمومی جامعه می‌باشد. تولید باید به شکلی صورت گیرد که رفاه عمومی جامعه حداکثر شود.

برای دستیابی به رفاه عمومی، سه هدف مقدماتی یعنی عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی و امنیت اقتصادی لازم است.

معیارهای تولید مطلوب در اقتصاد اسلامی

به طور کلی، «معیار» عبارت است از ارزش حالت‌های یک شیء که دلیل ارزش حالت‌های سایر اشیاست. مفهوم معیار متمایز از مفهوم مرجع ارزش است. معیار شیئی است که ارزش حالت‌های آن، دلیل ارزش حالت‌های سایر اشیاست و مرجع ارزش، شیئی است که ارزش حالت‌های معیار را تعیین کرده و ارزش حالت‌های سایر اشیاء بر مبنای معیار محاسبه می‌شوند (سامانه هم‌افزا). بنابراین، معیار کیفیت و ارزش‌های کلی حاکم بر یک نظام و ساختار است که هدف نظام تحویل و تحقق آنهاست. با مراجعه به منابع اسلامی معیارهای متعددی برای تولید استفاده می‌شود، ولی در این تحقیق تنها چهار معیار مهم و کاربردی یعنی طیب بودن، اولویت دادن نیازهای واقعی در امر تولید، رعایت مصالح اجتماعی و کارایی در راستای تولید مورد بررسی قرار می‌گیرد.

معیار اول: طیب بودن تولید

اصل واژه «طیب» در لغت به معنای هر چیز لذت‌بخش است، ولی بر حسب موارد در معانی دیگر نیز استعمال شده است. همچنان‌که در قرآن کریم طیب به چیزهای مختلفی نسبت داده شده است. مثلاً، کلمه طیب (ابراهیم: ۲۴)، شجره طیب (ابراهیم: ۲۴)، حیات طیب (نحل: ۹۷) و... . مجمع‌البحرین می‌نویسد که واژه «طیب» برای چهار معنای لذت‌بخش بودن، حلال شرعی بودن، طاهر بودن، و مضر نبودن استعمال می‌شود و از بین چهار معنای مذکور حقیقت در معنای اول دارد (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۱). اما طیب در اصطلاح به چیزی اطلاق می‌شود که دارای مطلوبیت باشد و در آن هیچ‌گونه پلیدی ظاهری و باطنی وجود ندارد؛ در مقابل آن، واژه «خبیث» قرار دارد. معنای طیب با اختلاف موضوعات، متفاوت شده و در هر چیزی

به حسب و مقتضای خودش است (مصطفوی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۱۵۱-۱۵۲)، انسان طیب آن انسانی است که خالی از پلیدی جهل، فسق و اعمال زشت و آراسته به علم، ایمان و اعمال نیک باشد (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۵۲۷).

تولید در اقتصاد عبارت است از روند ترکیب عوامل تولید برای تهیه کالاها و خدمات مورد نیاز انسان، یا جریان تبدیل مواد اولیه یا نهاده‌ها به محصول (رجایی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۶۹).

تعریف تولید متشکل از سه عنصر محصول تولیدی، فرایند تولید و عوامل تولید است و برای شکل‌گیری تولید طیب باید هر سه جهت مورد بررسی قرار گیرد.

طیب بودن محصول تولیدی: برخی از ویژگی‌های محصول تولیدی طیب مستقیماً در قرآن بیان شده و برخی دیگر از آنها به عرف و عقلا واگذار شده است. علامه طباطبائی نسبت به اطلاق واژه «طبیات» در آیه چهارم سوره «مائده» می‌گوید: این اطلاق برای این است که بفهماند معیار در تشخیص طیب از خبیث فهم متعارف مردم است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۰۲).

برخی از ویژگی‌هایی که مستقیماً از آیات قرآن استفاده می‌شود عبارتند از:

(۱) **پاکیزه و حلال بودن:** خداوند از مردم درخواست می‌کند که از کالاهای حلال و طیب استفاده کنند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا﴾ (بقره: ۱۶۸). علاوه بر آیه فوق، آیات ناظر به حلیت طبیات مورد استفاده انسان، آیات طیب بودن رزق انسان‌ها و تکریم انسان‌ها با رزق طیب نیز به گونه‌ای این ویژگی‌ها را منعکس می‌کنند (توکل، ۱۳۹۱، ص ۴۰). بنابراین، یکی از ویژگی‌های محصول تولیدی حلال و پاکیزه بودن آن است.

(۲) **کیفیت مقبول:** قرآن از مؤمنان خواسته است که اموال طیب و باکیفیت یتیمان را به مال خبیث تبدیل نکنند:

﴿وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ﴾ (نساء: ۲)؛ ﴿وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ﴾؛ یعنی اینکه مال نامرغوب و بی ارزش خود را با مال مرغوب یتیم عوض نکنید (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۶۵).

در آیه ۲۶۷ سورة «بقره» دو کلمه «طیب» و «خبیث» در مقابل هم آورده شده است. کلمه خبیث در آیه به معنای کالای پلید و نامرغوب است. بنابراین، کلمه طیب با توجه به قرینه مقابله به معنای کالای پاکیزه و مرغوب است.

۳) مضر نبودن: مصرف کردن برخی از کالاها و خدمات در اسلام ممنوع شده است. قرآن کریم یکی از حکمت‌های آن را داشتن ضرر می‌داند. ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا﴾ (بقره: ۲۱۹)؛ درباره شراب و قمار، از تو می‌پرسند، بگو: در آن دو، گناهی بزرگ، و سودهایی برای مردم است، ولی گناهشان از سودشان بزرگتر است.

علامه طباطبائی ذیل این آیه می‌گوید: «اثم» حالتی است که در انسان یا هر چیز دیگر یا عقل پیدا می‌شود و باعث کندی انسان در رسیدن به خیرات می‌گردد. شرب خمر دارای مضرات گوناگون طبیعی، اخلاقی و عقلی است. ... شریعت اسلام اساس احکام خود را تحفظ بر عقل قرار داده، خواسته است با روش عملی، عقل مردم را حفظ کند، (و بلکه رشد هم بدهد)، و اگر از شراب، و قمار، و تقلب، و دروغ، و امثال این گناهان نهی کرده، باز برای این است که این گونه اعمال ویرانگر عقلند و بدترین عملی که حکومت عقل را باطل می‌سازد در میان اعمال، شرب خمر، و در میان احوال، دروغ و زور است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۸۹-۲۹۰).

علاوه بر آیات قرآن کریم، روایات معصومان علیهم‌السلام مانند روایت «لا ضرر» نیز بر این مطلب دلالت دارد. بنابراین، تولید کالاها و خدماتی که دارای ضرر باشد

در اقتصاد اسلامی ممنوع است. البته ضرر، خود همان‌گونه که از بیانات علامه در المیزان استفاده می‌شود به دو قسم مادی و معنوی تقسیم می‌شود.

طیب بودن فرایند تولید: در رویکرد تولید طیب، شیوه، فرایند و چگونگی تولید نیز باید طیب باشد. طیب بودن شیوه تولید، ناظر به این است که اولاً، تعدی و تجاوزی نسبت به منابع تولید، حقوق انسانی و الهی در امر تولید صورت نگیرد و ثانیاً، حدود و ارزش‌های الهی در امر تولید رعایت شده باشند. خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (مائده: ۸۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای [استفاده] شما حلال کرده، حرام مشمارید و از حد مگذرید، که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد.

با توجه به عام بودن خطاب آیه، علاوه بر استفاده‌های مستقیم از نعمت‌های الهی، شامل استفاده از مواهب الهی در مسیر تولید نیز می‌شود. بنابراین، تجاوز نسبت به منابع تولیدی نیز از مصادیق آیه است که از آن نهی صورت گرفته است.

در اسلام، رعایت بعضی از مسائل ارزشی در امر تولید برخی از کالاها و خدمات، الزام یا سفارش شده است. برای نمونه، می‌توان به ذبح حیوانات اشاره کرد که بیان کردن نام خداوند در هنگام ذبح آنها ضروری است (انعام: ۱۱۸-۱۱۹). در صورتی که نام خدا در هنگام ذبح آورده نشود استفاده از گوشت و فرآورده‌های گوشتی حرام است (انعام: ۱۲۱). نمونه دیگر، یادآوری مشیت الهی در فرایند تولید است. گروهی از باغ‌داران که در فرایند تولید (هنگام چیدن محصول) به مشیت الهی توجهی نمی‌کردند، قرآن آن را سبب از بین رفتن محصول‌هایشان دانسته است (قلم: ۱۷-۳۲). قرآن در

ارضای آنها باعث اشباع غرایز و کامجویی هرچه بیشتر از طبیعت و انسان‌های دیگر می‌شود. چنین اندیشه‌ای به دنبال گسترش به سمت بی‌نهایت قدرت انتخاب و گزینه‌های مردم برای تأمین نیازهای مادی و دنیوی است (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶). هدف اصلی دین بیان و برطرف کردن نیازهای واقعی انسان است (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۹۱). اقتصاد اسلامی نیز باید به دنبال برطرف کردن نیازهای واقعی جامعه باشد.

یکی از نیازهای واقعی انسان و جامعه که هدف دین و به تبع آن اقتصاد اسلامی به دنبال تأمین آن است، نیاز به تولید کالاهای اساسی و راهبردی است. در اسلام تولید کالاهای اساسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با مراجعه به متون فقهی ملاحظه می‌شود که در کنار مطلوب بودن اصل کار و فعالیت اقتصادی، اسلام برای تنظیم امور اجتماع و حفظ مصالح افراد، برخی از فعالیت‌ها را - در صورت اقدام نکردن افراد در حد کفایت - واجب شمرده است؛ مانند:

الف. تولید کالاها و خدماتی که حیات افراد بر آنها مترتب است، به گونه‌ای که نبود یا کمبود آنها، زندگانی بشر را در معرض نابودی قرار دهد. چون حفظ حیات افراد از واجبات شرعی است، هرچه در این مسیر لازم است، باید فراهم شود؛ مثلاً، اگر به واسطه کمبود دارویی خاص، افرادی از بین می‌روند، واجب کفایی است که چنین دارویی تهیه شود و همه در برابر این کار مسئول هستند، مگر اینکه افرادی در حد کفایت، اقدام به تهیه آن کرده باشند که در آن صورت، این وظیفه از دیگران ساقط می‌شود.

ب. تولید اشیایی که قوام و نظم جامعه بدان‌ها وابسته است، گرچه برای فرد، ضرورتی نداشته باشد؛ مثلاً، در شرایط کنونی بشر، نبودن وسایل حمل و نقل، موجب اختلال کارها و ازهم‌پاشیدن زندگی بشر است.

مورد تعمیر و آبادانی مسجد که امری ارزش و الهی است، ایمان داشتن تعمیرکننده آن را شرط می‌داند (توبه: ۱۸).

طیب بودن عوامل تولید: تأکید قرآن بر طیب بودن انسان و سرمایه و تشویق انسان به بهره‌مندی از رزق حلال، بیانگر طیب بودن عوامل تولید است (توکل، ۱۳۹۱، ص ۴۱). «لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ» (مائده: ۱۰۰)؛ پلید و پاک یکسان نیستند، هرچند کثرت پلید [ها] تو را به شگفت آورد.

گروهی از مفسران «خبیث» و «طیب» در آیه را عام دانسته‌اند. بنابراین، می‌توان مراد آیه را انسان و هر عمل انسانی دانست، همچنان‌که می‌تواند مراد آیه مال و دارایی نیز باشد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۹۲).

معیار دوم: اولویت داشتن نیازهای واقعی جامعه

در امر تولید

یکی دیگر از معیارهای تولید مطلوب در اقتصاد اسلامی اولویت داشتن تولید کالاهایی است که نیازهای واقعی جامعه را رفع می‌کند. شایان ذکر است که نیازهای انسانی را می‌توان از حیث منشأ به نیازهای واقعی و کاذب تقسیم نمود. نیازهای واقعی آن دسته از نیازهایی است که از یک واقعیت عینی نشئت می‌گیرند. در مقابل، نیازهای کاذب از هیچ واقعیت عینی نشئت نمی‌گیرند؛ بلکه شکل‌گرفته از مجموعه‌ای از پندارها و خیالات شعارگونه و بی‌محتواست که گاه برای پیشبرد اهداف خاصی ایجاد می‌شوند (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۹۰، ص ۹۶). البته تعریف نیازهای واقعی در اندیشه دینی با اندیشه غیردینی تفاوت می‌کند. اندیشه دینی نیازهای واقعی را نیازهایی می‌داند که ارضای آنها باعث فعلیت یافتن استعدادهای فطری که رسیدن به مقام شامخ «خلیفه‌اللهی» است می‌شود و اندیشه غیردینی، نیازهایی را نیازهای واقعی می‌داند که

ج. تهیه و تولید ابزار و وسایل دفاعی نیز از واجبات کفایی است؛ زیرا بدون وجود این‌گونه وسایل، دفاع از جامعه اسلامی در برابر خطر ناشی از هجوم کفر و استکبار، امکان ندارد و از طرق مختلف می‌توان دیدگاه اسلام را راجع به تولید آنها به دست آورد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۱۴۰).

وجود حکم تکلیفی وجوب نسبت به تولید کالاها و خدمات فوق حاکی از اهتمام ویژه اسلام نسبت به تولید کالاها و خدمات اساسی و راهبردی در اقتصاد اسلامی است. علاوه بر این، در سخنان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در کنار سفارش‌های زیادی که نسبت به اصل کار و اشتغال وجود دارد، برخی از شغل‌ها نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند و توصیه‌های فراوانی نسبت به آنها انجام گرفته است، به گونه‌ای که کسب درآمد از طریق این شغل‌ها به عنوان پاک‌ترین درآمدها یاد می‌شود و در مقابل، برخی دیگر از شغل‌ها یا به‌طور کلی از آنها منع شده و یا توصیه‌هایی به ترک آنها شده است. از جمله شغل‌هایی که در اسلام توصیه‌های فراوانی نسبت به آنها شده و راه‌های مختلفی برای رونق آن در منابع اسلامی پیشنهاد شده است کشاورزی و دامداری و تجارت می‌باشد. کشاورزی در اسلام به عنوان محبوب‌ترین شغل نزد خداوند متعال و شغل تمامی انبیا غیر از ادریس پیامبر یاد شده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۸۴). بنا به تعبیر برخی از روایات، خداوند مَنان رزق و روزی انبیای خود را در کشاورزی و دامداری قرار داده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۶۰). اولین شغلی که خداوند مَنان به انسان تعلیم داده است شغل کشاورزی است تا به وسیله آن نیازهای ضروری و حیاتی خود را تأمین کند (همان، ص ۲۶۰). در اهمیت و جایگاه کشاورزی در اسلام، همین بس که در فقه اسلامی، مزارعه و مساقات برای

رونق کشاورزی وضع شده است. به همین جهت، از صدر اسلام تأکید نظام اسلامی بر بهره‌برداری مناسب از منابع طبیعی و معادن و نیز آباد نمودن زمین‌های بایر بوده است و پیشوایان دین با عمل خود، مردم را به آن هدایت و تشویق می‌نمودند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در هر نقطه‌ای که مناسب می‌دید، نخست دستور حفر چاه می‌داد و از همان سال‌های اول هجرت مسلمانان را به کشاورزی و باغداری و حفر قنوات تشویق می‌نمود و آنان نیز با سعی و تلاش به این امور اشتغال می‌ورزیدند و در اثر آن، اراضی بی حاصل بسیاری آباد گردید.

آن حضرت به کشاورزی و درختکاری آنچنان اهمیت می‌داد که به پیروان خود می‌فرمود: حتی در آستانه نابودی زمین و انقراض عالم هم باید به این کار ادامه داد. آن حضرت در این باره می‌فرماید: «اگر قیامت بر پا شود و در دست یکی از شما نهالی باشد، اگر بتواند چنان کند که کمی پیش از قیامت آن را بکارد، باید بکارد» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۴۶۰).

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام علاوه بر اینکه خود یک کارآفرین و کشاورز نمونه بود، در برنامه دولتش نیز کشاورزی در اولویت قرار داشت و به استانداران و فرمانداران خود دستور داده بود که از حال کشاورزان و خراج‌گزاران همیشه باخبر باشند (نهج البلاغه، ص ۴۳۶).

اهتمام اسلام به شغل‌هایی مانند کشاورزی به خاطر این است که غالب کالاهای اساسی به وسیله چنین شغل‌هایی تأمین می‌شود. بنابراین، آنچه در اسلام مهم است تولید کالاهای اساسی و راهبردی است که جزو نیازهای واقعی انسان است. اسلام برای پاسخ دادن به نیازهای واقعی اهمیت خاصی قایل است و این خود یکی از معیارهای مهم در اقتصاد اسلامی برای تولید کالا و خدمت می‌باشد.

معیار سوم: متناسب با اقتضائات و مصلحت

اجتماعی

در اسلام، مصلحت اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آیات متعددی در قرآن خواهان رعایت مصالح اجتماعی است (بقره: ۲۲۰؛ اعراف: ۸۵ و ۱۷۰؛ هود: ۱۱۷). روایات متعددی نیز به این مهم پرداخته است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «آن (حقوق متقابل امام و مردم) را موجب برقراری پیوند آنان کرد، و ارجمندی دین ایشان. پس حال رعیت اصلاح نمی‌شود، مگر اینکه والیان نیکورفتار باشند، و والیان نیکورفتار نمی‌گردند، جز اینکه رعیت درستکار باشد» (نهج البلاغه، خ ۲۱۶).

در نهج البلاغه و در بعضی روایات، کلمه «سیاست» آمده که اهل لغت آن را به معنای «قیام به مصلحت» گرفته‌اند (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۵).

همچنان‌که گذشت، اسلام در مقام تزاخم منافع و مصالح اجتماعی و فردی، برخلاف مکتب اصالت فرد، مصالح اجتماعی را مقدم بر مصالح فردی می‌داند و این مقدم شمردن مصالح اجتماعی به وسیله مردم، نوعی عبادت خداوند متعال محسوب می‌شود.

شایان ذکر است که دیدگاه اسلام با مکتب اصالت جامعه درباره تزاخم منافع اجتماعی با منافع فردی نیز کاملاً متفاوت است. در مکتب اصالت اجتماع، منافع فردی بکلی نادیده گرفته می‌شود و تنها منافع اجتماعی ملاحظه می‌شود، ولی در اسلام منافع فردی و اجتماعی هر دو به رسمیت شناخته می‌شود. در صورتی‌که در مقام تزاخم، منافع فردی و اجتماعی هر دو شرعی باشند، اسلام منافع اجتماعی را ترجیح می‌دهد، وگرنه اگر یکی شرعی و دیگری غیرشرعی باشد، تنها همان که جنبه شرعی دارد مقدم شمرده می‌شود و دیگری نادیده گرفته می‌شود.

به‌طورکلی، ادله مصلحت اجتماعی اعم از آیات و

روایات عمومیت داشته و رعایت مصلحت اجتماعی در تمام شئون زندگی از جمله مسائل اقتصادی را شامل می‌شوند. تولید کالا و خدمات نیز یکی از ضروریات زندگی اجتماعی است که باید طبق این معیار سنجیده شده و بر مبنای آن انجام گیرد، وگرنه نظام اجتماعی مختل می‌شود. ازاین‌رو، یکی از معیارهای تولید در اقتصاد اسلامی این است که تولید بر اساس مصالح اجتماعی هر زمان انجام گیرد. این معیار بیشتر در مورد محصولات راهبردی در زمان‌های مختلف جریان پیدا می‌کند؛ مثلاً، گاهی شرایطی مانند جنگ تحمیلی اتفاق می‌افتد که تولیدات باید بیشتر به سمت تولید اسلحه و مهمات سوق پیدا کند.

معیار چهارم: کارایی در تولید

کارایی اقتصادی هم از لحاظ علمی و هم از جهت سیاست‌گذاری یکی از مهم‌ترین مقولات اقتصادی است. تعبیر اقتصاد کارآمد، بازار کارآمد، مدیریت کارآمد و امثال آن، معمولاً از نظر اهمیت در مرکز گفتارها و نوشتارهای اقتصاددانان و محققان و حتی سیاست‌گذاران و کارشناسان حرفه‌ای قرار دارد. کارآمد بودن نظام‌ها و سازمان‌ها در حال حاضر یک معیار مقایسه و برتری برخی از واحدهای مربوطه در مقابل دیگر واحدها محسوب می‌شود.

کارایی به‌طورکلی به معنای بهترین استفاده از امکانات در دسترس توسط هر فرد، خانوار، بنگاه و یا به‌طورکلی هر سازمان یا واحد حقیقی یا حقوقی خصوصی و یا دولتی است. کارایی به دو نوع فنی (تکنولوژی) و اقتصادی (تخصیصی) تقسیم می‌شود. کارایی فنی (تکنولوژی) زمانی برای یک سازمان وجود دارد که حداکثر تولید ممکن از منابع به‌کاررفته صورت گیرد. به عبارت دیگر، در وضع کارایی فنی (تکنولوژی)، اتلاف منابع وجود ندارد، تمامی نیروها به کار گرفته می‌شوند و

یکی از شواهدی که دلالت بر مطلوبیت کارایی در اسلام دارد بحث ممنوعیت اسراف است. منع اسراف در آیات و روایات به طور غیرمستقیم تشویق کارایی است؛ زیرا در کارایی یکی از شاخص‌ها هدر ندادن منابع، دارایی‌ها و درآمدها است (دادگر، ۱۳۷۸، ص ۵۴).

اسلام همچنان‌که اسراف در هزینه‌ها را ممنوع می‌داند، مصرف تفریطی و یا زهد افراطی را نیز محکوم کرده است. «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷)؛ یعنی ممکن است تفریط در هزینه کردن نیز باعث کند شدن رونق و رشد اقتصادی شود که آن نیز مورد تأیید اسلام نمی‌باشد.

آیات و روایات فراوانی دلالت بر شکر و شکرگزاری می‌کنند. بسیاری از مفسران و متفکران عقیده دارند شکرگزاری از نعمت‌ها صرفاً یک سپاس و تشکر زبانی نیست، بلکه به مفهوم بهره‌برداری صحیح است. تفسیر نمونه بعد از ذکر سه مرحله قلبی، زبانی و عملی برای شکر، می‌گوید: شکر عملی به این است که درست بیندیشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده است و آن را در مورد خودش صرف کنیم در غیر این صورت، کفران نعمت کرده‌ایم» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۲۷۸). شهید صدر تصریح می‌کند که «کفران نعمت» در واقع، همان عدم بهره‌برداری صحیح و هدر دادن منابع طبیعی است و این ریشه نابسامانی‌های اقتصادی است (صدر، ۱۳۷۵، ص ۶۴۰).

نتیجه‌گیری

در این مقاله به دنبال این سؤال بودیم که معیارهای تولید مطلوب در اقتصاد اسلامی چیست؟ اصولاً معیارها از مبانی نظری و اهداف مورد پذیرش هر نظامی شکل می‌گیرند؛ بنابراین، لازم بود ابتدا مبانی نظری و اهداف

مدیریت سازمان نیز امور را بدون اتلاف پیش می‌برد. ملاحظه می‌شود که در اینجا ممکن است لزوماً بهترین استفاده از منابع صورت نگرفته باشد، اما در هر صورت، تمامی منابع به کار گرفته شده‌اند. اما کارایی اقتصادی آن است که علاوه بر فقدان اتلاف منابع، بهترین ترکیب مطلوب کالاها نیز تولید شود و مناسب‌ترین ترکیب از نهاده‌ها نیز مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر، ترکیب نهاده‌ها با کمترین هزینه ممکن (برای ایجاد بهترین ترکیب کالا) به کار رفته است. مثلاً، جامعه‌ای که نیاز به کود کشاورزی، ماشین‌آلات صنعتی و درصد معقول و مختصری خدمات بازرگانی دارد، اگر امکانات پولی و ارزی و دیگر منابع را عمدتاً در مسیر بازرگانی به کار برد، ممکن است از نظر فنی کارآمد هم باشد (هیچ اتلافی نداشته باشد)، اما وضع موجود کارآمد اقتصادی نخواهد بود (دادگر، ۱۳۷۸، ص ۴۷).

وضعیت ترسیم‌شده از کارایی در اقتصاد متعارف چارچوبی را ترسیم می‌کند که اولاً، در آن اتلاف منابع وجود ندارد و ثانیاً، تولیدات مربوطه در کمترین هزینه ممکن صورت گرفته است. از این رو، نظام هم از لحاظ فنی و هم از جهت اقتصادی توجیه کافی را دارد و در نگاه اول، وضعیت آرمانی برای هر نظام فکری محسوب می‌شود. بنابراین، اسلام و نظام اقتصادی ناشی از آن نیز مؤید وضع مذکور است؛ زیرا اسلام با حفظ اصول ارزش خود، تلاش و تولید و رشد و بهره‌وری را مورد تأکید قرار می‌دهد و تحقق زمینه متناسب، سالم و شرافتمندانه مادی را برای حصول به تعالی معنوی لازم می‌داند (همان).

ذکر این نکته لازم است که معیار کارایی در اسلام در کنار سایر معیارها بخصوص رعایت مصالح اجتماعی و دینی قرار می‌گیرد. بنابراین، آن کارایی در اقتصاد اسلامی مطلوب‌تر است که مصلحت دینی و اجتماعی در آن محقق شده باشد.

منابع

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، *النهاية في غريب الحديث*، قم، اسماعیلیان.
- احسائی، ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، *عوالي اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة*، قم، سیدالشهداء.
- انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵ق، *مکاسب المصحرمة*، قم، کنگره بزرگداشت شیخ انصاری.
- پیرو و مینی، ۱۳۷۵، *فلسفه و اقتصاد*، ترجمه مرتضی نصرت و حسین راغفر، تهران، علمی و فرهنگی.
- توکلی، محمدجواد، ۱۳۹۱، «شاخص های تولید خالص داخلی طیب»، *معرفت اقتصادی*، ش ۲، ص ۲۹-۵۳.
- خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۲، *انتظارات بشر از دین*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- _____، ۱۳۸۱، «انتظار بشر از دین در عرصه اقتصاد»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۸، ص ۳۵-۲۱.
- خلیلی تیرتاشی، نصرالله، ۱۳۸۲، «معیار تشخیص نیازهای واقعی از نیازهای کاذب»، *معرفت*، ش ۷۵، ص ۱۰۵-۱۲۰.
- _____، ۱۳۹۰، «معیارها و شاخص های توسعه انسانی از دیدگاه اسلام»، *معرفت اقتصادی*، ش ۴، ص ۸۱-۱۰۶.
- دادگر، یدالله، ۱۳۷۸، «کنکاشی مقدماتی در کارایی، رفاه و عدالت در اسلام و اقتصاد متعارف»، *مفید*، ص ۴۱-۷۲.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، *مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران، سمت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
- رجایی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۹۱، *اقتصاد خرد (با نگاهی به مباحث اسلامی)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رضایی راد، عبدالحسین، ۱۳۸۹، «گستره کارآمدی قاعده فقهی لاضرر»، *حقوق اسلامی*، ش ۲۵، ص ۶۳-۸۹.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر، ۱۴۲۵ق، *مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهیة الأساسية*، قم، جامعه مدرسین.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۷۵، *اقتصادنا*، خراسان، مکتب الاعلام الاسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.

تولید در اقتصاد اسلامی تبیین گردد. بعد از این مهم، چهار معیار مهم و اساسی به دست آمد که عبارت بودند از:

۱. طیب بودن تولید؛ این معیار در سه عنصر مهم تعریف تولید؛ یعنی محصول تولیدی، فرایند تولید و منابع تولید مورد بررسی قرار گرفت. محصول تولیدی طیب، آن محصولی است که پاک و حلال، با کیفیت و غیرمضر باشد؛ اما طیب بودن فرایند تولید به این است که اولاً، هیچ گونه تعدی در آن صورت نگیرد و ثانیاً، ارزش های دینی در آن رعایت شده باشد؛ و طیب بودن محصولات تولیدی بر اساس مصادیق مختلف معانی، متفاوت پیدا می کند.

۲. اولویت داشتن نیازهای واقعی جامعه در امر تولید؛ به طور کلی، رفع نیازهای واقعی در اسلام مورد اهتمام ویژه قرار گرفته است و یکی از نیازهایی جامعه اسلامی با توجه به مبانی و اهداف آن، کالاهای اساسی است که لازم است بخش تولیدی اقتصاد نسبت به این امر توجه جدی داشته باشد و بیشتر تولیدات را، در فرض محدود بودن عوامل تولید، به این بخش اختصاص بدهد.

۳. تولید مطابق با مصالح اجتماعی جامعه؛ در اسلام، منافع و مصالح جمعی بر منافع و مصالح فردی چه در حوزه اقتصاد و چه غیراقتصاد اولویت دارند؛ بنابراین، در بخش تولید نیز رعایت این امر الزامی است. کالاهای راهبردی یکی از کالاهایی است که مصالح اجتماعی - مثلاً - حفظ استقلال نظام آن را اقتضا می کند و در مواردی از نیازهایی واقعی جامعه نیز به شمار می رود؛ از این رو، تولید این دسته از کالاها نیز در اولویت تولیدی در اقتصاد اسلامی قرار دارند.

۴. کارایی در تولید؛ یکی از معیارهای تولید در اقتصاد اسلامی که همراه با سایر معیارها در نظر گرفته می شود معیار کارایی در تولید است. با در نظر گرفتن بحث های ممنوعیت اسراف و شکر نعمت، این معیار به درستی به دست می آید.

- طوسی، جعفر بن محمد، ۱۴۰۷ق، **تهذیب الاحکام**، تحقیق حسن موسوی خراسان، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۳ق، **العین**، بیروت، دارالفکر.
- فیض کاشانی، ملّامحسن، ۱۴۱۵ق، **تفسیر الصافی**، تهران، الصدر.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، **الکافی**، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- محدث نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- محقق داماد، مصطفی، ۱۴۰۶ق، **قواعد فقه**، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- مرعشی شوشتری، سید محمد حسین، ۱۴۲۷ق، **دیدگاه‌های نو در حقوق**، تهران، میزان.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، **فرهنگ نامه اصول فقه**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۷، **التحقیق فی کلمات القرآن**، قم، اسماعیلیان.
- مکارم شیرازی ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسویان، سید عباس، ۱۳۸۱، «دین و اقتصاد»، **اقتصاد اسلامی**، ش ۸، ص ۳۷-۶۰.
- میرمعزی، سید حسین، بی‌تا، **اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نمازی، حسین، ۱۳۸۷، **نظام‌های اقتصادی**، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- وېر، ماکس، ۱۳۷۴، **اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌گذاری**، تهران، سمت.
- یوسفی، احمد علی، ۱۳۷۹، **ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی** (مجموعه مقالات و گفت‌وگوها)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- یوسفی، احمد علی، ۱۳۸۷، **نظام اقتصاد علوی مبانی اهداف و اصول راهبردی**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.